



برای این پسر مسالت نمودم و خداوند مسالت مرا که از او طلب نموده بودم، به من عطا فرموده است. اول سموئیل ۱: ۲۷

"دعا کردن با غیرت و قوت"



وقتی که زندگی نامه یک کشیش معروف رو مطالعه می‌کردم مهمترین نکته در سرگذشت او و تغییر مسیر زندگیش، دعا کردن هر روزه مادر بزرگش برایش بود. این برای من خیلی جالبه که او اتفاقاً فرزند بسیار سرکشی بود و به قول گفتمی، حرف گوش نکن. یک روز که یواشکی پشت در اتاق مادر بزرگش میره که فضولی کنه، از زیر در نگاهی به داخل میکنه و میبینه که مادر بزرگ، روی دو زانوش در حال دعا کردنه و این مسئله باعث کنجکاوی اون میشه و شروع به سوال و جواب کردن میکنه و همین باعث ایمان آوردنش به عیسی مسیح میشه.

در آینده که او یک کشیش معروف و قابل احترام میشه، هر یکشنبه مادر بزرگش در ردیف جلوی کلیسا مینشسته و با سر پایین و چشمانی بسته برای او و موعظه اون روز، دعا می‌کرده تا او با قوت خداوند کلام رو موعظه کنه. با یه کم تعمق در این موضوع میشه تجسم کرد که دعا و تقاضای حکمت و قوت و برکت برای شخص دیگه، چه عزیزترین شخص توی زندگیمون و چه یکی از اعضای کلیسا، چقدر لذت بخشه.

چند سال بعد که مادر بزرگ از این دنیا میره، نوه او که حالا یک کشیش بزرگ، با یک کلیسای بزرگه، خُرد و خیلی پریشون میشه که به خاطر رابطه نزدیک و علاقه شدید کشیش به مادر بزرگش بوده. یکشنبه بعد که قدم به جایگاه موعظه میذاره و کتاب مقدس رو باز میکنه که شروع کنه، متوجه صندلی خالی میشه که همیشه مادر بزرگش روی اون مینشست و برایش دعا می‌کرد و احساس میکنه که بدون دعای او نمیتونه موعظه کنه و قوت حرف زدن نداره. تو این لحظه یکی از خانم‌های مو سفید کلیسا که متوجه این مسئله شده بود، از جای خودش بلند میشه و به جلوی کلیسا میاد و روی اون صندلی خالی میشینه و به کشیش میگه که از این به بعد، من مادر بزرگ تو هستم و با سر پایین، شروع به دعا برای کشیش میکنه و کشیش شروع به موعظه میکنه.

ای پدر آسمانی، سپاسگذار تو هستم برای افرادی که با ایمان به تو برای من در طول
زندگیم دعا کردند. لطفاً کمک کن که من هم برای افراد دیگه یک جنگجوی روحانی
در دعا باشم. آمین



برگرفته شده از رازگاهان انگس باخن